

لزم و باز تعریف بازی

روزنامه ورسالت رسالت در یادداشتی نوشت: نشانه‌ها کم نیستند؛ از تحرکات آشکار در خلیج فارس و شرق مدیترانه تا رفت‌وآمدهای بی‌وقفه دیپلمات‌های امریکایی و رزمایش‌های مشکوک با برخی ارتش‌های منطقه. امریکا که در سال‌های اخیر به‌ظاهر بار خود را از غرب آسیا بست، اکنون با پرچمی تازه بازمی‌گردد، این بار نه صرفاً برای نفت یا امنیت اسرائیل که برای تغییر هندسه سیاسی منطقه. تغییر هندسه یعنی جابه‌جایی مهره‌ها، تضعیف محورهای مقاومت، احیای پیمان‌های امنیتی وابسته و بازگرداندن کشورها به میزهای مذاکره‌ای که نتیجه‌اش نه استقلال که انقیاد است. این بازگشت، اگر بدون پاسخ فعال ما باشد، می‌تواند مسیر چند دهه مقاومت را به عقب برگرداند. نویسنده اضافه کرده است: امریکا امروز شاید با نیرو و فناوری برتر بازگردد، اما ما می‌توانیم با اراده، هوشمندی و همیپمانی، معادله را وارونه کنیم. هندسه منطقه تنها زمانی تغییر می‌کند که ملت‌ها خودشان خط کش و پرگار را به دست بگیرند، اما واقعیت این است که نشانه‌های تغییر پیداست: افزایش ناوهای امریکایی در آب‌های خلیج فارس، فشار واشینگتن برای فعال‌سازی دوباره «ناتوی عربی»، تلاش برای احیای توافقات ابراهیم و پیوند دادن آن با پرونده امنیت انرژی و حتی گسترش پایگاه‌های ششود و پهبادی در عراق و سوریه. این تحرکات، در کنار جنگ‌های نیابتی و مهندسی رسانه‌ای افکار عمومی، نقشی‌ای منسجم برای بازآرایی سیاسی و امنیتی منطقه را شکل داده است.

رؤیافروشان دوباره مشغول کارند

روزنامه کیهان نوشت: بر خلاف آن لیخندهای کشدار در عکس‌های یادگاری وزیران و دولتمردان حسن روحانی با یک فرودن ایرباس فرانسوی، برجام برای صنعت هوانوردی ایران یک ماتم و مصیبت مضاعف بود. رؤیایی که با برجام برای حمل‌ونقل هوایی ایران می‌ساختند هرگز به وقوع نیپوست و به جای آن کابوس برجام‌دست از سر این صنعت برنداشت. مدتی بعد وقتی از مدیر یکی از رسانه‌های غرب‌پرست حامی دولت وقت پرسیدند چرا شما و دولتی‌ها این قدر درباره آثار برجام مبالغه و رؤیایی می‌کردید، پاسخ داد: «بن مبالغه‌ها باید می‌شد به این خاطر که فضا خیلی فضای تنگ و ترشی بود، دولت باید در حقیقت این موضوع را قدری بزرگ می‌کرد که بتواند حرفش را به کرسی بنشاند.» به بیان ساده‌تر دولت وقت دروغ می‌گفت تا حرفش را به کرسی بنشاند. ما نمی‌دانیم چنین سیاسی منافق چه کسانی را تأمین می‌کرد اما در اینکه منافق ملی ایران با این اقدام خدشه‌دار شد، هیچ تردیدی وجود ندارد. نویسنده اضافه کرده است: آقای پزشکیان می‌گوید دولت از دولت سوم روحانی نیست اما همین سیاست «بزک کردن مذاکرات و توافق با امریکا» همچنان در بین دولتمردان آقای پزشک‌یان نیز ادامه دارد. هم‌زمان که غرب پرستان و برخی چهره‌های وابسته به دولت با رؤیافروشی درباره مذاکرات و توافق با امریکا، قصد خام کردن ما را داشتند، امریکا و اسرائیل برای حمله به ایران آماده می‌شدند. درست در روزهایی که روزنامه رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت از «گام مثبت» در مذاکرات می‌گفت (۲۴فروردین ۱۴۰۲) و برای «استیضای و تکتاف» نماینده امریکا در مذاکرات گزارش تبلیغاتی می‌رفت، این روزها بدون هیچ توجیهی دوباره صحبت از مذاکره با امریکاست. رؤیافروشان باز هم مشغول کار شده‌اند، شاید باید یک عملیات فریب و غافلگیری دیگر در میان باشد و ما باید این هشتدار را کاملاً جدی بگیریم، کسی که با سبلی جنگ از خواب بیدار نشود، با بوسه مرگ بیدار خواهد شد.

مسیرهای پیش‌روی ایران و آزانی

روزنامه قدس در یادداشتی با اشاره به سفر معاون وزیر ملکز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تهران و دیدار با هیئت سازمان انرژی اتمی نوشت: این دیدار را نمی‌توان جداز سابقه ۲۰ساله فشارهای هسته‌ای بر ایران دید. از ابتدای دهه ۸۰ شمسی، امریکا و اروپا زیر فشار دائمی رژیم‌صهیونیستی، برچون‌ای همه‌جانبه برای ایجاد محدودیت،انزو و تضعیف جمهوری اسلامی ایران کلید زدند. با وجود ضویت رسمی ایران در معاهده «ان پی تی» نه تنها از مزایای پیش‌بینی‌شده در این معاهده خبری نبود، بلکه سبلی از محدودیت‌ها، محکومیت‌ها و اتهامات، چه در مجامع بین‌المللی و چه در رسانه‌های جهان، علیه ایران به راه افتاد. هدف روشن است، این یک «حر به دائمی» برای تضعیف ایران است و هیچ‌گاه از دستور کار غرب خارج نخواهد شد، چنانکه حتی چندی پیش، رئیس کمیته روابط خارجی سنای امریکا آشکارا گفت: «اگر ایران، اسرائیل را به رسمیت بنشاند، می‌تواند به ما اتم هم بپردازد» این جمله، ماهیت سیاسی و ایزاری تمام این چنجال‌ها بر ملا می‌کند. در این میان، نفوذ رژیم‌صهیونیستی در نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه از مسیر امریکا انچنان است که آزانی بین‌المللی انرژی اتمی عملاً به ابراز دست لث‌آو بیو تبدیل شده است.

نمونه‌ای بی‌سابقه از این همسویی زمانی رخ داد که امریکا از هزاران کیلومتر آن‌سوتر، مراکز هسته‌ای ایران را هدف حمله قرار داد و آزانی حتی یک بیابیه محکومیت صادر نکرد؛ ادتر آنکه آزانی پس از این حمله، به جای عذرخواهی یا موضع‌گیری حقوقی، در قامت طلبکار ظاهر و خواستار اعزام پارس‌بان برای بررسی خسارات و گزارش آن به همان رژیم‌هایی شد که در این حملات دست داشتند. این، واقعیت آزانی است اما طرف ایرانی همچنان می‌کوشد ضمن پایبندی به حقوق مسلم خود، در مسیر کاهش تنش‌ها حرکت کند. ادامه دادن این مسیر جز با عدم‌سیاسی‌کاری آزانی، ممکن نخواهد بود.

آن سوی دانشگاه‌ستیزی ترامپ!

روزنامه خراسان در یادداشتی نوشت:دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا در راستای تحت‌فشار قرار دادن برخی از دانشگاه‌های این کشور، پرداخت غرامت یک‌میلیارد دلاری از سوی سیستم دانشگاه‌های کالیفرنیا، از جمله دانشگاه UCLA را خواستار شده است. ادعای اصلی دولت ترامپ بر آن است که در جریان اعتراضات دانشجویی در حمایت از مردم غزه، شعارها و رفتارهایی با محتوای یهودستیزانه مشاهده شد و دانشگاه‌ها در جلوگیری از این اقدامات ناکام بودند، البته انگیزه‌های پشت‌پرده دولت ترامپ به مراتب فراتر از مبارزه با یهودستیزی است. در طول دهه‌های اخیر، دانشگاه‌های برتر ایالات متحده- به‌ویژه موسساتی چون UCLA، بر کلی، هاروارد، ییل و دیگران- به عنوان مراکز تفکر لیبرال، فضای آزاداندیشی و نقد سیاست‌های محافظه‌کارانه شناخته شده‌اند. این نهادها معمولاً میزبان جنبش‌های اجتماعی، اعتراضی و عدالت‌خواهانه بوده‌اند که در تعارض مستقیم با گفتمان سنتنی حزب جمهوری‌خواه قرار می‌گیرند. در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ، تنش‌ها میان محافظه‌کاران و نهادهایی مانند دانشگاه‌ها که از سوی آنان به مراکز ترویج افکار سمی لیبرالی متهم شده‌اند، شدت گرفته است. دولت کنونی امریکا بارها دانشگاه‌ها را به «ترویج بیداری افراطی»، «سرکوب آزادی بیان محافظه‌کاران» و «مؤشز ایدئولوژی چپ‌گرا» متهم کرده است. در واقع، یکی از تکرانی‌های عهده‌فعلان حقوق بشر و آزادی بیان در امریکا، استفاده ابزاری از برجسب یهودستیزی برای خاموش کردن صداهای مخالف با سیاست‌های اسرائیل است. اگر دولت ترامپ بتواند هر اعتراض دانشجویی یا آکادمیک علیه اسرائیل را به عنوان یهودستیزی معرفی و دانشگاه‌ها را به جرم‌های سنگین تهدید کند، انگه آزادی بیان و اعتراضی‌ها، به ویژه در محیط‌های دانشگاهی زیر سؤال می‌رود. در نهایت، آنچه از سوی منتقدان دولت ترامپ در خطر است، نه تنها پووجه دانشگاه‌های کالیفرنیا، بلکه ماهیت آموزش عالی مستقل و آزادی‌محور در امریکاست.



روزنامه جوان | شماره ۳۳۷۷

چهارشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۴ | ۱۹ صفر ۱۴۴۷

سرویس سیاسی ۸۸۵۲۳۰۶۰

هشدار رئیس ستادکل نیروهای مسلح:

دشمنان با تکرار تجاوز پاسخ قاطع‌تری خواهند گرفت

امیر موسوی: سپاه می‌تواند تجربیاتش را در اختیار نیروهای مسلح آفریقای جنوبی بگذارد



رئیس ستادکل نیروهای مسلح در دیدار فرمانده نیروهای دفاع ملی آفریقای جنوبی گفت: «امروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین نیروی ضد تروریست دنیا شناخته می‌شود و تجربیات ارزشمندی دارد که می‌تواند آنها را در اختیار آفریقای جنوبی قرار دهد. ■ ■ ■

امیر سرلشکر عبدالرحیم موسوی، رئیس ستادکل نیروهای مسلح در دیدار ارتش رودزاین مافوانیا، فرمانده نیروهای دفاع ملی آفریقای جنوبی گفت: از طرح و پیگیری پرونده نسل‌کشی رژیم‌صهیونیستی نزد دادگاه نئفری بین‌المللی قدرانی می‌کنیم. وی افزود: شکایات آفریقای جنوبی از رژیم صهیونی در امتداد سیاست‌ها و رویکردهای ایران و مبتنی بر عدالتخواهی است. موسوی تصریح کرد: نقض قول امریکا و رژیم‌صهیونیستی مسبوق به سابقه است، بنابراین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارند در صورت تجاوز مجدد آنها پاسخ قاطع‌تری به آنها بدهند.

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح تصریح کرد: امروز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین نیروی ضد تروریست دنیا شناخته

شده است. ■ ■ ■

روزنامه خراسان

سپاه پاسداران

سرویس سیاسی ۸۸۵۲۳۰۶۰

هشدار رئیس ستادکل نیروهای مسلح:

دشمنان با تکرار تجاوز پاسخ قاطع‌تری خواهند گرفت

امیر موسوی: سپاه می‌تواند تجربیاتش را در اختیار نیروهای مسلح آفریقای جنوبی بگذارد

روزنامه بینترنشنل

سرویس سیاسی ۸۸۵۲۳۰۶۰

استفاده کردند و نه تنها در رسیدن به اهداف خود ناکام ماندند بلکه شکست آنها در مقابل حملات موشکی جمهوری اسلامی ایران آنها را وادار به درخواست آتش‌بس کرد و در این جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، موضع قاطعانه آفریقای جنوبی در محکومیت رژیم‌صهیونیستی و امریکا، شجاعانه و قابل تقدیر است.

فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قاره آفریقا از اولویت برخوردار است و به طور طبیعی با رویکرد سیاسی و بین‌المللی نزدیک دو کشور، آفریقای جنوبی از جایگاهی ویژه برخوردار است.

سرلشکر حاتم‌ی با بیان اینکه بسیاری از ظرفیت‌های دو کشور در روابط و همکاری‌های دوجانبه به خصوص در حوزه‌های نظامی قابل استفاده و توسعه است، اظهار کرد: امیدوارم بتوانیم این ظرفیت‌ها را تبدیل به برنامه‌های عملی برای پیشبرد همکاری‌های مشترک کنیم.

■ **با بیان دارای اهداف مشترکی هستیم**
ارتشبد رودزاین مافوانیا، فرمانده نیروهای دفاع ملی آفریقای جنوبی نیز در این دیدار با تقدیم پیام و درود خود، وزیر دفاع و رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی به ملت و دولت ایران بیان کرد: جمهوری آفریقای جنوبی و جمهوری اسلامی ایران دارای اهداف مشترکی هستند.

ما همواره در کنار مظلومان و بی‌دفاع‌های جهان می‌ایستیم.

وی ادامه داد: مراتب همدردی خود را با ملت غزه و فلسطین که در صف توزیع غذا آنان را بمباران می‌کنند، ابراز و آن را محکوم می‌کنم.

فرمانده نیروهای دفاع ملی آفریقای جنوبی با بیان اینکه ما اقدامات رژیم‌صهیونیستی را در غزه و کرانه باختری که در امتداد سیاست‌های شهرسازی این رژیم‌است، محکوم می‌کنیم، گفت: دادخواستی به دیوان نسل‌کشی را به دادگستری ردیم تا عاملان نسل‌کشی را به سزای اعمال‌شان برسانیم. ارتشبد مافوانیا افزود: از دیرباز احترام متقابل بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آفریقای جنوبی وجود داشته است و ما خواستار تعمیق روابط در همه عرصه‌ها به‌ویژه روابط دفاعی با جمهوری اسلامی ایران هستیم. وی در خاتمه با اشاره به اهداف سفر خود به تهران گفت: این سفر تنها یک سفر نظامی نیست بلکه پیام سیاسی دارد و بهترین زمان ممکن انجام شد تا احساسات قلبی خود را به ملت صلح‌طلب ایران ابراز کنیم.

رئیس ستادکل نیروهای مسلح:

نقض قول امریکا و رژیم‌صهیونیستی

مسبوق به سابقه است، بنابراین

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارند در صورت تجاوز مجدد آنها، پاسخ قاطع‌تری به آنها بدهند

که در تاریخ ماندگار خواهد بود. امیر سرلشکر حاتم‌ی با بیان اینکه امروز مردم مظلوم غزه نیازمند حمایت‌های عملی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی هستند، تصریح کرد: متأسفانه با نفوذ همواره از یکدیگر و از ملت‌های ستمدیده پشتیبانی کردند و این مسیر برای بازگشت به نظام بین‌الملل بر پایه عدالت و کرامت انسانی باید ادامه یابد. فرمانده کل ارتش جمهوری اسلامی ایران با اشاره به موضع شجاعانه دولت آفریقای جنوبی در مقابل نسل‌کشی رژیم‌صهیونیستی و شکایت بردن از این رژیم به دادگاه بین‌المللی، این اقدام را شجاعانه دانست

سپاه پاسداران

سرویس سیاسی ۸۸۵۲۳۰۶۰

هشدار رئیس ستادکل نیروهای مسلح:

«رنج را با تمام جزئیاتش زیسته و بارها درد و فقدان را چشیده‌ام، با وجود این هرگز در انتقال حقیقت همان‌گونه که هست، بدون تحریف یا دروغ، کوتاهی نکردم، باشد که خداوند شاهد باشد بر کسانی که سکوت کردند و بر کسانی که به کشتار ما رضایت دادند و بر کسانی که نفس‌های ما را محاصره کردند و پیگرهای نکته‌کودکان و زنان‌مان هیچ احساسی را در دل‌شان برنمیگذاخت و جلوی کشتاری که ملت ما بیش از ۱۵سال است با آن روبه‌روست، نگرفتند. شما را به فلسطین، گوهر تاج مسلمانان و تیش قلب هر آزاده‌ای در این جهان، وصیت می‌کنم. شما را به مردمش و کودکان کوچک و مظلومش که عمر به آنان مهلت نداد تا رؤیا ببافند و در امنیت و آرامش زندگی کنند، وصیت می‌کنم؛ کودکانی که پیگرهای پاک‌شان زیر هزاران تن بمب و موشک اسرائیلی خرد شد و اعضای بدن‌شان بر دیوارها پراکنده گشت. شما را وصیت می‌کنم که نه قید و بندها شما را خاموش کند و نه مرزها زمینگیرتان نماید و بل‌هایی باشید برای سرزمین و مردم، تا خورشید کرامت و آزادی بر سرزمین غصب‌شده‌مان بتابد.»

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در

سرمقاله شماره ۵۱ خود نوشته است:

سطور فوق، بخشی از وصیتنامه خبرنگار شهید «آئس شریف» است که در تازه‌ترین جنایت رژیم‌صهیونیستی علیه خبرنگاران غزه به همراه چهار تن از همکاران خود به شهادت رسید. آنان در چادری در کنار بیمارستان شفا در شهر غزه مشغول کار بودند که به صورت هدفمند بمباران شدند و همگی شهید. با شهادت این خبرنگاران، تعداد شهدای خبرنگار و اهالی رسانه در غزه به ۲۷۰ تن رسید.

رژیم‌صهیونیستی در دروغی بی‌شرمانه و آشکار مدعی شده است این شهید، فرمانده یک واحد نظامی در غزه بوده است و البته این نخستین‌بار نیست که این پند جانیکار از چهره دروغ‌هایی برای توجیه کشتار خبرنگاران در غزه استفاده می‌کند.

طبق گزارش دانشگاه براون، از زمان آغاز جنگ در ۱۷اکتبر ۲۰۲۳، تعداد روزنامه‌نگارانی که در غزه کشته شده‌اند، از مجموع روزنامه‌نگاران کشته‌شده در جنگ داخلی امریکا، جنگ‌های جهانی اول و دوم، جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ‌های یوگسلاوی سابق و جنگ پس از ۱۱ سپتامبر در افغانستان بیشتر است. به‌طور متوسط در هر ماه ۱۳ خبرنگار در غزه به دست اسرائیل کشته می‌شوند.

این رژیم در تجاوز اخیر علیه کشورمان نیز ۱۶تن خبرنگاران و اهالی رسانه ایرانی را به شهادت رساند. تاریخ این رژیم جعلی مملو از دروغ‌ها و تحریفات ریزورشت است. افسانه‌پردازی‌های بی‌پایه‌ای برای توجیه اشغال و جنایت، اما در دو سال اخیر این رژیم برای تحریف واقعیت و ارا از مرز تکنیک‌های رسانه‌ای و تبلیغات دروغین فراتر گذاشته و به شکل هدفمند، سیستماتیک و گسترده، خبرنگاران و رسانه‌ها را هدف ترور قرار می‌دهد؛ بازگشت به روش‌های قرون‌وسطایی برای خفه کردن صدای حقیقت، البته که این رژیم به آهن سرد می‌کوبد و گلوله حرف حقیقت نخواهد شد.

بیانیه

روابط عمومی سپاه:

هدف قرار دادن خبرنگاران در غزه شلیک به آزادی بیان است

هدف قرار دادن خبرنگاران در قلب جنگ‌ها، به‌ویژه در غزه، عملاً شلیک به آزادی و جنایتی در راستای ایجاد و تحمیل «سکوت رسانه‌ای» و انکار حقیقت است.

به گزارش سپاهنیوز، در بیابیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در محکومیت جنایت رژیم‌صهیونیستی و شهادت خبرنگاران در غزه آمده است: «جنایت اخیر رژیم‌صهیونیستی در هدف قرار دادن خبرنگاران و اصحاب رسانه در غزه، به‌ویژه شهادت شش خبرنگار مجاهد، شجاع، فداکار و در خط مقدم اطلاع‌رسانی فریاد مظلومیت مردان، زنان و کودکان این منطقه از جمله «آئس الشریف»، حمله مستقیم به اصول انسانی و آزادی بیان است. این اقدام ظالمانه، نه‌تنها حقوق بشر بلکه حق ملت‌ها برای دانستن حقیقت را نیز هدف قرار داده است.



خبرنگاران در جنگ شناختی امروز، با قلم‌ها و دوربین‌های خود در برابر دروغ‌ها و تحریف‌ها ایستاده‌اند و با روایت حقیقت، مسئولیت بزرگ انتقال آگاهی به جوامع بشری را به دوش می‌کشند.

رژیم نژادپرست و گرگ‌گفت صهیونیستی که همواره تلاش کرده است صدای حقیقت را خاموش کند، در این مقطع تاریخی با تکاب چنین جنایتی در جهت سرکوب و برقرار خواندن کرد جنایات قرون‌وسطایی و ماهیت ددمنشانه و ضدانسانی خود از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کند. هدف قرار دادن خبرنگاران در قلب جنگ‌ها، به‌ویژه در غزه، عملاً شلیک به آزادی و جنایتی در راستای ایجاد و تحمیل «سکوت رسانه‌ای» و انکار حقیقت است. این رژیم پلید و تبهکار را ترور خبرنگاران و اصحاب رسانه درصدد است، در مسیر اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی و رساندن پیام حق به جهانیان مانع ایجاد کند و حقیقت تلخ جنایات خود در غزه قهرمان و مظلوم را پنهان سازد.

در دنیای امروز که جنگ‌ها در عرصه ذهن‌ها و ادراک جوامع جریان دارد، خبرنگاران جنگی به عنوان سربازان جبهه روایتگری در هر شرایط سخت تیر، از دل حوادث و بحران‌ها، در پی ایفای مسئولیت خود در انتقال حقایق و واقعیت‌ها هستند و با روایت‌های جعلی و تحریف مقابله می‌کنند. خبرنگاران در میدان‌های نبرد و در قلب جنگ‌ها و خطرهای سهمگین و عظیم ناشی از غرش توپخانه‌ها و بمباران‌ها، بی‌وقفه به وظیفه خود در روایت حقیقت عمل می‌کنند.

در این راستا و در شرایطی که در ایران اسلامی و در موسم گرامیداشت «روز خبرنگار» شکوه تجلیل از «اصحاب رسانه» چشم همگان را خیره کرده، شهادت شش خبرنگار سلحشور در غزه نه‌تنها بیانگر شجاعت و فداکاری آنان در مسیر حقیقت است، بلکه نشان‌دهنده اهمیت و نقش خبرنگاران در آگاهی‌بخشی به جهانیان است.

این شهدای امروز که جنگ‌ها، نه‌تنها صدای مظلومان غزه را به گوش جهانیان رساندند، بلکه با شجاعت خود، پیامی مقتدر و معنادار به دنیا ملخره کردند که هیچ‌گاه نباید در برابر ظلم و جنایت سکوت کرد.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با محکومیت این جنایت بزرگ و گرامیداشت یاد، نام و حماسه‌آفرینی‌های ۲۳۳ خبرنگار میدان دفاع از مقاومت و حقانیت غزه از «طوفان الاقصی» تا به امروز و تأکید بر اینکه اصحاب حق طلب و آزادی‌خواه رسانه تا آزادی قدس شریف در کنار ملت فلسطین ایستاده‌اند، از همه ملت‌ها و جوامع جهانی به ویژه نهادها و سازمان‌های مدعی حقوق بشر و آزادی رسانه می‌خواهد در برابر این جنایات سکوت نکرده و با پرهیز از هر گونه چشم‌پوشی نسبت به این سوات‌ها، توقف جنایت‌آفرینی‌ها و مجازات عاملان جنای‌نگری علیه خبرنگاران در غزه را مطالبه کنند.»

به جنگ حقوقی موازی با درگیری نظامی است. توافقنامه پیش‌بینی می‌کند که پس از طی مراحل تصویب داخلی، دو کشور روابط دیپلماتیک کامل خود را بر اساس کنواسیون‌های وین برقرار خواهند کرد. ■ **تعهد به عدم‌استفاده از زور و مداخله**
بر اساس ماده ۳، «ارمنستان و آذربایجان متعهد شده‌اند در روابط دوجانبه از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یکدیگر امتناع ورزند. علاوه بر این، هیچ یک از طرفین به طرف ثالث اجازه نخواهد داد از خاک آن برای اقدام نظامی علیه طرف دیگر استفاده کنند، همچنین طبق ماده ۴، طرفین از هر گونه مداخله در امور داخلی یکدیگر خودداری خواهند کرد.

■ **همکاری برای تعیین سرنوشت مفقودان جنگ**

این توافقنامه به ابعاد انسانی مناقشه نیز توجه کرده است. ماده ۹ طرفین را متعهد به رسیدگی به پرونده افراد مفقودالثر و ناپدیدشدگان قهری در درگیری‌های مسلحانه می‌کند. این همکاری شامل تبادل تمامی اطلاعات موجود برای روشن شدن سرنوشت این افراد و بازگرداندن بقایای آنها خواهد بود که به عنوان گامی در راستای اعتمادسازی و مصالحه تلقی می‌شود.

■ **مفاد نهایی و چارچوب حقوقی**
این سند که در ۱۷ماده تنظیم شده است، تأکید می‌کند که قوانین داخلی هیچ یک از طرفین نمی‌تواند توجیهی برای عدم‌اجرای تعهدات مندرج در آن باشد. در صورت بروز اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی توافقنامه ملاک عمل خواهد شد. این سند پس از تکمیل مراحل تصویب داخلی در هر دو کشور و تبادل اسناد مربوط، لازم‌الاجرا می‌شود و در سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسید.

این بند مستقیماً،هرم فشار اصلی الهام‌علی‌اف، یعنی درخواست برای تغییر قانون اساسی ارمنستان به عنوان پیش‌شرط صلح را هدف قرار داده و آن را خنثی می‌کند. بر اساس این ماده، پس از تصویب و لازم‌الاجرا شدن این معاهده، ارمنستان هیچ تعهد حقوقی برای تغییر قانون اساسی خود نخواهد داشت و آذربایجان نیز نمی‌تواند به این بهانه از اجرای تعهدات خود سر باز زند.

■ **تثبیت مرزهای دوران شوروی و پایان تمام‌داووی حقوقی**

سایر مواد این توافقنامه نیز بر پایه‌های حقوقی محکمی استوار است. ماده ۱۰، طرفین با استناد به «اعلامیه الماتنی ۱۹۹۱»، مرزهای اداری بین دو جمهوری در دوران شوروی را به عنوان مرزهای بین‌المللی به رسمیت شناخته و بر تمامیت ارضی و مصونیت این مرزها تأکید کرده‌اند. بر همین اساس، ارمنستان و آذربایجان حاکمیت، تمامیت ارضی، مصونیت مرزهای بین‌المللی و استقلال سیاسی یکدیگر را به رسمیت شناخته و به آن احترام خواهند گذاشت.

در تکمیل این ماده، ماده ۲ تصریح می‌کند که طرفین هیچ‌گونه ادعای ارضی نسبت به یکدیگر ندارند و در آینده نیز چنین ادعاهایی را مطرح نخواهند کرد، همچنین هر گونه اقدامی که با هدف تجزیه یا برهم زدن تمامیت ارضی طرف مقابل صورت گیرد، ممنوع است. همچنین در ماده ۱۵، طرفین متعهد شده‌اند طی یک ماه پس از لازم‌الاجراشدن توافق، تمام‌داووی و شکایات بین‌دولتی علیه یکدیگر را در هر گونه مرجع حقوقی بین‌المللی را پس بگیرند و از طرح هر گونه دعوای جدید در آینده خودداری کنند.

این «بند پاک‌سازی» به معنای پایان دادن

است. این ماده‌نه‌تنها به حضور مرزبانان روس پایان می‌دهد، بلکه راه را بر هر گونه حضور نظامی احتمالی غربی یا ناتو در آینده نیز می‌بندد و تأمین امنیت مرزها را منحصراً به دو کشور ارمنستان و آذربایجان واگذار می‌کند. ■ **نه‌از «گریدور زنگزور» خبری است نه‌از «مسیر ترامپ»**

برخلاف تمام هیاهویی که پیرامون «گریدور زنگزور» یا «مسیر ترامپ» به راه افتاده بود، در متن این معاهده الزام‌آور حقوقی، هیچ اشاره‌ای به این اسامی یا عبارتی نظیر «ارتباط بدون مانع» نشده است. تنها ماده مرتبط با این موضوع، ماده ۱۰ است که یک ماده کاملاً کلی و استاندارد در معاهدات بین‌المللی است. در این ماده آمده است: «طرفین می‌توانند به منظور برقراری همکاری در زمینه‌های مورد علاقه متقابل، از جمله اقتصادی، حمل‌ونقل و ترانزیت، زیست‌محیطی، بشردوستانه و متن‌نهایی، تفاوت‌های چشمگیری با برداشت‌های اولیه مبتنی بر اظهارات سیاسی و بی‌پایانه‌های غیرالزام‌آور دارد و شامل بندهایی است که مستقیماً به تکران‌های امنیتی کشورهای منطقه، به ویژه جمهوری اسلامی ایران پاسخ می‌دهد.

■ **ماده ۷: اخراج نیروهای ثالث از مرزهای مشترک**

شاید مهم‌ترین و غیرمنتظره‌ترین بند این توافق، ماده ۷ آن باشد که به طور مشخص به مسائل امنیتی در امتداد مرزها می‌پردازد. در این ماده به صراحت قید شده است: «طرفین هیچ‌گونه نیروی طرف ثالثی را در امتداد مرز مشترک خود مستقر نخواهد کرد.»

این بند، یک پیروزی راهبردی برای دیپلماسی منطقه‌ای و خط قرمز اعلام شده از سوی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که همواره با حضور هر گونه نیرو نظامی بیگانه و فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی مخالف بوده